

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران
Tel: 0049 1633458007
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان نسرین رمضانعلی
Tel: 00491757377539
E-mail: pramzanali@yahoo.de

ایسکرا ۳۳۴

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۱۰ آبان ۱۳۸۵، ۱ نوامبر ۲۰۰۶

سر دبیر: عبدال کلپریان
abdolgolparian@yahoo.com

مصاحبه با محمد آسنگران در مورد سیاستهای حزب در کردستان



محمد آسنگران

تاثیر سنتهای ناسیونالیست کرده شده است. چه در شکل مبارزه و چه در سنتهای سیاسی در جامعه. به یک معنی چه این نقطه ضعف را همیشه با خود حمل کرده است. اما به دنبال تحولاتی که در حزب کمونیست ایران و کومه له در اوایل دهه ۹۰ میلادی اتفاق افتاد، کمونیسم کارگری تلاش کرد خط فاصل خود را با این سنتها روشن کند. در نقد سنت و سیاستهای ناسیونالیستی تلاشهای با ارزشی شد. در سطح سیاسی و تیوریک ما دستاوردهای مهمی داشتیم. علاوه

صفحه ۳

است. اکنون کردستان جامعه ای حزبییت یافته و پولاریزه است. اکثریت فعالین جنبشهای اعتراضی تحت تاثیر این فضای سیاسی در کردستان هستند. در کردستان حتی رژیم و ارگانهای امنیتی میداندند که مردم و بسیاری از فعالین جنبشهای اعتراضی گرایش سیاسییشان چیست. فعالیت علنی در کردستان به دلایل تاریخی که اکنون وقت پرداختن به آن نیست امری پذیرفته شده است. این مسله يك داده اجتماعی و يك سنت جا افتاده است. به همین دلیل نقش احزاب در این جنبشها تعیین کننده است.

در کردستان بعد از انقلاب ۵۷ همیشه، چه نیروی مطرحی بوده است. در مقابل قطب راست و ناسیونالیست که ریشه ای تاریخی و طولانی داشت چه از مقطع انقلاب به طور اجتماعی پا به میدان گذاشت. اما از آن هنگام تا کنون این چه کم و بیش تحت

عبدل گلپریان : با تشکر از شما که این فرصت را فراهم کردید، اولین سوال اینست که با توجه به اینکه ما مرتب تاکید کرده ایم که چه در کردستان قوی است، شما جنبش چپ و جنبش کمونیسم کارگری در کردستان را چگونه ارزیابی میکنید. سنتهای ناسیونالیستی چه تاثیری بر چپ و سازمانهای سیاسی که خود را چه میداندند گذاشته است؟

محمد آسنگران: برای جواب به این سوال لازم است قبلاً شمه ای از اوضاع کردستان و نقش و جایگاه چپ در این جامعه را مروری بکنیم، زیرا خواننده بهتر متوجه میشود که ما در چه فضای فعالیت کرده ایم و با چه موانع و سنتهای درگیر بوده ایم و امروز در چه موقعیتی هستیم.

از مقطع فعالیت علنی احزاب در سال ۵۷ تا کنون تحولات مهمی در کردستان اتفاق افتاده

مصاحبه ایسکرا با نسرین رمضانعلی در مورد ۱۶ آذر



نسرین رمضانعلی

عبدل گلپریان: چنانکه می دانید ۱۶ آذر نزدیک است و قاعدتاً جنبش دانشجویی هم دارد خودش را برای این روز آماده می کند، قبل از هر چیز شرایط و موقعیت کنونی این جنبش را چگونه می بینید؟ و اینکه جنبش دانشجویی در چه ظرفیتهای متفاوت از سال گذشته می خواهد در مقابل فضای پلیسی عرض اندام کند؟ فاکتورهای مثبت/امسال کدام ها هستند؟

نسرین رمضانعلی: به نظر من جنبش دانشجویی در مقایسه با سال پیش چه از نظر اعتراضات و مبارزاتش و چه از نظر روشن تر بیان کردن خواستها و مطالباتش و بویژه خط و خطوط و گرایشات سیاسی موجود در این جنبش در دانشگاهها درگیر می باشد، تفاوتی مهمی

صفحه ۲

کارگران شاهو در سندج مانع خروج مسئولین از این کارخانه شدند



طبق اخباری که روز شنبه ۵ آبان به کمیته کردستان حزب رسیده است کارگران شاهو ساعت ۷ و ۳۰ دقیقه عصر این روز در اعتراض به عدم پرداخت حقوقهای سه ماهه اول سال ۸۵ صدیق آزادی مدیر کارخانه، محمد هاشمی حسابدار، اقبال مسئول حسابداری را در کارخانه نگهداشتند و اجازه خروج به آنها را ندادند. کارگران اعلام کردند تا پرداخت حقوقهای معوقه خود اجازه

صفحه ۵

دو نفر از کارگران کارخانه پوریس سندج اخراج شدند

صفحه ۵

بیانیه جمعی از دانشجویان دانشگاه کردستان و دانشگاه آزاد سندج!

صفحه ۵

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

مصاحبه ایسکرا با نسرين . . .

که در کل وابسته به جبهه مشارکت و بقایای دوم خرداد می باشند، بیشتر در تلاش بوده و هستند که کماکان بند ناف این جنبش را که مدتها از کل رژیم بریده است را دوباره به اصطلاح به جناح منتقد حکومت وصل نمایند. نگاهی به تقلاها و تلاش های این دار و دسته و بویژه جریان انجمن های اسلامی در دانشگاهها و تلاش این جریانات خود گواه این امر است. تمامی این جریانات در کنار مهار و در انقیاد نگه داشتن جنبش دانشجویی، نهایت سعی و تلاششان را می کنند تا این جنبش در مقابل نظام نایستد. این کنه تقلاها و جهت گیری این جریانات می باشد. در کنار این تلاش ها، جریانات چپ و رادیکال علاوه بر فضای سرکوب و محدودیتهای علنی کاری و تشکل یابی، توانسته اند در این جنبش بسیار به جلو بیایند. حضور این طیف وسیع و رادیکال و بخشا تا حدودی چپ را می شود در تمامی اعتراضات و مبارزاتی که در جریان می باشد، دید.

برای روشنتر شدن رویارویی های این گرایشات در درون جنبش دانشجویی، شاید بد نباشد نگاهی به مطالبات و خواسته هایشان انداخت. برای مثال تشدید فضا و جو سرکوب در دانشگاهها، فعالیت کمیته های انضباطی، تبدیل دانشگاه به پادگان نظامی، احضارها و محرومیت از تحصیل و مهمتر از همه مسئله مربوط به آزادی فعالیت های سیاسی و آزادی بیان و مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، گرایشات درگیر در این اعتراضات هر کدام زور خودشان را می زنند که هژمونی خودشان را بر این مبارزات داشته باشند. جریانان وابسته به تحکیم وحدت و انجمن های اسلامی در نقش مهار و کنترل این اعتراضات ظاهر می شوند ولی رادیکالیسم و فضا و جو اعتراضی در مواردی این دار و دسته ها را ناچار از همسویی با مبارزات دانشجویی می نماید.

اما جریانات نامتشکل و بخشا بی نام و نشان و فعالین رادیکال در همه این مبارزات حضور دارند. یک

ظرفیتهای اعتراضی نسبتا خوبی در مقایسه با سال قبل از خود نشان داده است. برای مثال مبارزات و مطالبات سیاسی تر شده اند. دوره و زمان اعتصابات و اعتراضات بلندتر شده اند. مبارزات فقط مقطعی نمانده، مطالباتشان سیاسی تر شده اند. بحث تشکل های مستقل دانشجویی و نحوه برخورد به تشکل های موجود حکومتی و غیر حکومتی در دانشگاهها و نقد شان، یکی از مصادف های بخش های رادیکال محافل و جمع های دانشجویی می باشد که جهت گیری چپ دارد. به نظر من چپ در

روز بزنند. در همین راستا من فکر می کنم که اهم مطالبات می تواند اینها باشند: انحلال انجمن های اسلامی و دار و دسته های وابسته به حکومت، خروج نیروهای انتظامی و لباس شخصی ها و تمامی باندهای جاسوسی و سرکوبگر حکومت از دانشگاهها، ایجاد تشکل های مستقل دانشجویی، بر چیده شدن کمیته های انضباطی و ارگانهای نظیر حراست و انجمن های اسلامی و شوراها، اسلامی از دانشگاهها، رفع محدودیت و ممنوعیت کار و فعالیت سیاسی از فعالین و رهبران دانشجویی از طرف حکومت، آزادی



دانشگاه دارد جان می گیرد. دوباره به مباحث سیاسی بر سر اوضاع و احوال و راه های بون رفت از آن، چگونگی سازماندهی جنبش دانشجویی و تلاش برای ایجاد پل ارتباطی بین این جنبش و مبارزات سایر اقشار مردم بر علیه جمهوری اسلامی، از زمره جهت گیریهای می باشند که ما امروز در دانشگاهها با آن روبرو می باشیم. همه اینها را باید به فال نیک گرفت. و اینها همه نکات قوت این جنبش و بالندگی اش را نشان می دهند.

ع. گلپریان: اگر شما بخواهید به لیستی از خواست و مطالبات جنبش دانشجویی اشاره کنید، خواست و مطالبات این جنبش را چگونه ترسیم خواهید کرد؟

نسرين رضمانعلی: به نظر من و با توجه به مجموعه مسائلی که در پاسخ به سوال قبلی تان اشاره کردم بسته به اینکه کدام گرایش و خط در این جنبش دست بالا را پیدا کند، خواهد توانست مطالبات و مهر این مطالبات را بر این جنبش بکشد. با حرکت از این مسئله و از آنجایی که جریان چپ و رادیکال و محافل چپ دانشجویی در این مبارزات وسیعا حضور دارند، طبعاً سعی می کنند که مطالبات و خواستههای جنبش خودشان را بر این مبارزات در این

همه فعالین دانشجویی و رهبران اعتراضات اخیر دانشجویی و مهمتر از همه تلاش برای حمایت از مبارزات کل مردم ایران بر علیه حکومت و اینکه دانشگاه و جنبش کارگری و مبارزات عموم مردم باید به هم تنیده شوند، می باشد.

یک نکته بسیار مهم امسال، تلاش و پافشاری برای برگزاری مراسم ها و تجمعات مستقل از دار و دسته های تحکیم وحدت و حکومتی به مناسبت ۱۶ آذر روز دانشجو می باشد. این روز روز دانشجو و روز اعتراض به سرکوب دانشگاهها، آزادی زندانیان سیاسی می باشد. روزی که جنبش دانشجویی و فعالین و رهبران عملی این جنبش با به میدان آوردن صفوف متحد و متشکل دانشجویان به حکومت و باندها و دار و دسته هایش نشان می دهند که در کنار همه آن مطالباتی که داشته و دارند، برای به دست آوردنشان ساکت نخواهند نشست.

ع. گلپریان: در روزهای اخیر اعتراضاتی در بسیاری از دانشگاهها و دانشگاه های کشور صورت گرفته است، آیا به نظر شما این حرکتها بیش درآمد یک ۱۶ آذر قدرتمند است؟ و فکر میکنید امسال گرایش چپ در تمایز با تحکیم وحدتی ها و

غیره چقدر میتواند قدرتمند تر و با طرح مطالبات سیاسی، جلوتر از ظرفیت سال گذشته ظاهر شود؟ در همین راستا رهنمود شما برای ۱۶ آذر به دانشجویان در دانشگاه های کردستان چیست؟

نسرين رضمانعلی: اعتراضاتی که هم اکنون در دانشگاهها در جریان است، به جرات می توان گفت که پیش در آمدی برای برپایی هر چه باشد. اتفاقا ۱۶ آذر می باشد. اتفاقا اعتراضات کنونی و مطالباتی که دانشجویان در این اعتراضات طرح و برایش مبارزه می کنند، عمدتاً سیاسی بوده و جنبش دانشجویی امسال به نظرم سیاسی تر و تا حدودی آماده تر از سال پیش دارد به استقبال این روز می رود. اگر یادمان باشد سال پیش حکومت اسلامی از ترس اوج گیری اعتراضات، دانشگاهها را تعطیل نمود و در کوی دانشگاهها عملاً حکومت نظامی اعلام کرد و لی با این وصف دانشجویان در روزهای ۲۰ و ۲۱ آذر دوباره به صحنه آمدند. اتفاقاً اگر گزارشات و تحلیل ها و ارزیابی های پارسال را نگاه کنیم، نشان می دهد که بخش چپ رادیکال این جنبش توانست در این دو روز قدرتی از خود نشان دهد و علیرغم تهدیدات و خط و نشان کشیدنهای حکومت و تحکیم وحدتی ها، به میدان آمد و ۱۶ آذر سرخ سال قبل را به نمایش گذاشت. این وقایع نشان داد که چپ در دانشگاهها حضور دارد و در فرصت مناسب که توازن قوا اجازه بدهد، نیرو و توان و مطالباتش را به میدان آورده و در برابر جامعه قرار می دهد. به نظر من سال پیش به جرات میتوان گفت که سرآغاز صف آرایی و یک رویارویی بین جریانات حکومتی و تحکیم وحدتی ها و عناصر دردم خردیها از یک طرف و عرض اندان جنبش چپ دانشجویی با مطالبات و صف مستقلش از طرف دیگر بود. ما آن موقع هم گفتیم که چپ در دانشگاه دارد اینجا و آنجا دست بالا را پیدا می کند.

امسال در مقایسه با سال پیش این چپ به جلو آمده، تا حدودی مرزبندی با جریانات دیگر کرده، بخشا مهرخواستها و مطالباتش را بر همین مبارزات جاری کوبیده است.

همه اینها نشان می دهد که

مصاحبه ایسکرا با محمد آسنگران . . .

بر تحولات در حزب کمونیست ایران و کومه له، بخش قابل توجهی از چپ جامعه هم متوجه این پلاریزه شدن و نقد رادیکال و کمونیستی در سطوح مختلف بویژه نقد ناسیونالیسم کرد، گردید و حرکت تازه ای آغاز شد.

اما سنت جان سخت ناسیونالیسم کرد متأسفانه در پراتیک این چپ همچنان به حیات خود ادامه داده است. سنتهایی که حتی در کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری مرتب با آن مشکل داشتیم. یکی از نمودهای این سنت دست و پاگیر این بود که این چپ هیچ وقت نتوانست خود را با جنبش کارگری چفت کند. علیرغم مباحثات داغ و جلیبی که از بعد از تشکیل حزب کمونیست ایران و در جریان جدایی ما از این حزب در این زمینه مطرح شد، جریان چپ در کردستان نتوانست ظرف مناسبی برای متشکل شدن کارگران باشد. سبک تاثیر گذاری چپ در کردستان شباهت های زیادی به سبک جریانات ناسیونالیستی داشت.

ع. گلپریان: جریانات چپ همیشه از کارگر و رادیکالیسم دفاع کرده اند، بخصوص جریان ما بدون ابهام دفاع از کارگر و کمونیسم در اولویتش بوده است در نقد ناسیونالیسم هم کم ننوشته است مشکل کجا است؟

محمد آسنگران: چپ از کارگر حرف میزند، از انقلاب کارگری تعریف و تمجید میکرد اما در هیچ مبارزه کارگری مستقیم دست اندر کار نبود. کارگر و جنبش کارگری در مرکز توجهش قرار نداشت. هواداران و سمپاتیهای احزاب چپ در مراکز کارگری اعتراضاتی را سازمان میدادند اما خود این چپ نتوانست نبض جنبش کارگری را در دست داشته باشد. ما نفوذ داشتیم، چپ و کمونیسم یک جنبش اجتماعی و قوی بود، اما در عمل با مانع سنتهای غیر کارگری، و ناسیونالیستی هم در درون و هم در

مدعا کافی است به برنامه و پروگرام این احزاب نگاهی بیندازیم و ببینیم این برنامه و اهداف تا چه حد مبنای دوری و نزدیکیشان با احزاب دیگر است. حزب کمونیست ایران خود را یک حزب کمونیست میدانند شعار حکومت کارگری و سوسیالیسم را در پای نشرياتشان مینویسد. برنامه و پلانفرم آنها در اوایل دهه ۶۰ شسی هنگام تشکیل این حزب بر مبنای یک دید طبقاتی و در نقد مناسبات سرمایه داری و نیروها و جریانات مدافع سرمایه و... نوشته شده است. اما منهای یک دهه اول عمر این حزب، مناسبات این حزب با اتحادیه میهنی و حزب دمکرات نزدیکتر از احزاب چپ و کمونیست است. نقد آنها، جدلهای فکریشان، و بحث محافظشان اساساً در تقابل با چپ و کمونیسم است. اما در مورد ناسیونالیسم کرد و یا احزاب "رقیب شان" مبنای آنها دوستی و نزدیکی است. با احزاب و جریانات چپ دشمنی کور و یا فاصله معینی را حفظ کردن مبنی و روش کارشان است. زیرا این جریانات به یک معنا برای جریانی مثل کومه له با معیار خودی و غیر خودی تعریف میشوند. هر چقدر ناسیونالیست باشید برای اینها مهم نیست زیرا در کمپ خودی قرار دارید. در قاموس این چپ حزب کمونیست کارگری زیادی ضد ناسیونالیسم و اسلام و افراطی است. ناسیونالیستها از حزب

کمونیست کارگری بدشان می آید بر همین مبنا کومه له صورت مسئله را از آنها پذیرفته و دوری خودشان از حزب کمونیست کارگری را چنان توجیه میکنند که: "اینها از اول هم هیچی نبودند، از کومه له سو استفاده کردند، بعداً هم پتو و چراغ علاالدین کومه له را فروختند و به کومه له ضربه زدند و..."

همین کسانی که این فرهنگ سطح پایین را رواج میدهند متوجه این نیستند که تمام آثار با ارزش آن حزب به قلم منصور حکمت نوشته شده است. برنامه حزب و قطعنامه کنگره شش و حقوق پایه ای مردم کردستان و... که هنوز از دستور خود خارج نکرده اند تنها نمونه هایی از آن است.

یک قدم آن طرف تر کسانی را میبینیم که از ما جدا شده اند.

منشعبین، اینها از کومه له بیشتر ادعاهایشان با عملکرد و سنتهای سیاسییشان در تناقض است. برنامه حزب کمونیست کارگری را برنامه خود اعلام کرده اند ادعا میکنند تمام قطعنامه ها و قرار های ما را تا کنگره چهار قبول دارند، سیاستها و تئوریهای منصور حکمت را میگویند تماماً قبول دارند. اما به شهادت نوشته کادرها و رهبریشان ۹۰ درصد نوشته ها و گفته هایشان علیه حزب کمونیست کارگری و سیاستهای این حزب است. در عین حال اینها که مدعی مخالفت با ناسیونالیسم هستند و به درست میگویند در عراق سناریوی سیاه آن جامعه را در خود فرو برده است، برای مذاکره با حزب جلال طالبانی و بارزانی که از بنیان همین سناریوی سیاه هستند از سویی و از سوی دیگر برای برقراری دوستی و تلاش برای نزدیکی با کومه له از همدیگر سبقت میگیرند. اما علیه حزب کمونیست کارگری و رهبران این حزب ۲۴ ساعته لجن پراکنی میکنند. اگر در این زمینه برای مذاکره با همان احزاب سناریوی سیاهی و یا دوستی با کومه له با مواعی روبرو هستند مشکل کوتاه نیامدن خود اینها نیست مشکل زیاد خواهی و امتیاز طلبی طرف مقابل است. طالبانی و بارزانی آنها را جدی نگرفتند و ابراهیم علیزاده از آنها خواسته است که به کومه له برگردند.

این جماعت فعلاً برایشان سخت است که خودشان را منحل کنند و به کومه له بپیوندند اما مسیری که در پیش گرفته اند آنها را ناچار میکنند قدم به قدم در این جهت بروند. این پس رفت اتفاقی نیست آنها تغییر ایدئولوژیک نداده اند. بطور واقعی اینها هنوز منصور حکمت و مارکس را دوست دارند اما سنت سیاسی مشترک برای آنها جدایی بیشتری دارد و همین سنت چسب درونی آنها است. این سنت سیاسی سنت ناسیونالیستی کرد است که آنها را به همدیگر نزدیک میکند. اما روش برخورد همدیگر را قبول ندارند. فعلاً در مورد همدیگر سکوت اعلام کرده اند که فضا را از دو طرف مهیا کنند تا به توافقات "معقولی" برسند.

ع. گلپریان: آیا شما فکر میکنید اختلافات برنامه ای و پلانفرمها و قطعنامه های آنها نقش تعیین کننده ای بر مناسبات آنها با همدیگر نمیکند؟ آیا سنتهای سیاسی تا این حد تعیین کننده است؟

محمد آسنگران: همچنانکه میبینید دوری و نزدیکی این جریانات به همدیگر نه بر اساس برنامه و مصوبات پایه ای آنها بلکه بر اساس سنتهای سیاسی و جنبشی آنها تعیین میشود. این به نظرم طبیعی و واقعی است. همه احزاب و جنبشهای سیاسی به همین ترتیب مناسباتشان را با هم تنظیم میکنند. نگاه کنید به جریانات دوم خردادی از "چپ" نوع چریک و حزب توده گرفته تا راست مجاهدین و مشارکت و... همگی در چهار چوب یک سنت فعالیت میکنند. جناحهای چپ و راست سنت ملی اسلامی آنها را به احزاب و جریانات مختلف تقسیم کرده است. برنامه غیر مذهبی چریک و حزب توده مانع از این نشده است که با احزاب و جریانات کاملاً اسلامی در یک ائتلاف قرار گیرند.

در کردستان هم همینطور است در دایره سنت ناسیونالیسم کرد جناحهای چپ و راست این جنبش و این سنت سیاسی مشترک آنها را با هر اختلافی که با هم داشته باشند در کنار همدیگر قرار میدهد و برای همدیگر خودی به حساب می آیند. همه این جریانات از جناح راست سنتی حزب دمکراتی گرفته تا چپ طرفدار "سوسیالیسم" کومه له و منشعبین را در بر میگیرد. ممکن است اینها در مقاطعی با هم به تقابل بیفتند همچنانکه بارزانی و طالبانی بارها این تجربه را از سر گذرانده اند. اما نهایتاً در شرایط لازم و ضروری در کنار هم و با یک افق سیاسی معین میتوانند در زیر یک چتر قرار گیرند. اینها هنوز به یک ائتلاف نرسیده اند اما در شرایط حساس در مقابل چپ و کمونیسم یا در مقابل دیگر سنتهای راست غیر خودی کاملاً قابل پیش بینی است که در یک کمپ قرار گیرند.

از صفحه ۳

مصاحبه ایسکرا با محمد آسنگران . . .

ع. گلپریان: با توجه به نکاتی که مطرح کردید چه سبک کار و چه روشی از نظر شما راهگشا است.

مواردی از این اتفاقات بود، اما این سبک همیشه با مانع وجود سنتهای ناسیونالیستی روبرو میشد و متأسفانه در سطح همان نمونه‌ها محدود شد.

محمد آسنگران: تا اینجا من تلاش کردم که بر اساس فاکتورهای عینی و مادی نشان دهم که چپ در کردستان با چه معضلاتی روبرو است. اما جنبش ما جنبش کمونیسم کارگری بر اساس منافع طبقاتی و جنبش معینی که از آن برخاسته است و بر اساس نقد جامعه سرمایه داری و تلاش برای به قدرت رسیدن یک کمونیسم رادیکال و کارگری نمیتوانست خود را فقط بر اساس وجود و حضور دیگر جریان‌های سیاسی تعریف کند. من از همان روز اول که بعد از انشعاب کمیته کردستان از حزب که به عنوان دبیر کمیته کردستان این وظیفه را به عهده گرفتم، به همراه فعالین کمیته کردستان سعی کردیم روش کار و فعالیت‌هایی را در دستور بگذاریم که تمرکز ما و توجه اصلی ما بر جنبش کارگری باشد. جنبش جوانان و مبارزات اجتماعی دیگر را هم از این زاویه جواب داده ایم و تمام حواس ما به این عرصه معطوف بوده و این کاملاً راهگشا بود.

خلاصه کنم: مرکز توجه کمیته کردستان اساساً جنبش کارگری شد. از این زاویه و از این جایگاه بر دیگر جنبش‌های رادیکال و انقلابی تأثیر گذاشتیم. و دخالت گری ما به این معنا از نوع دیگری بود. در نتیجه تقریباً برای اولین بار در تاریخ جنبش کارگری کردستان ما شاهد رو آمدن طیفی از فعالین کارگری با اسم و رسم خود و به عنوان سخنگویان جامعه هستیم. قبلاً حزب کمونیست کارگری مبتکر

رفتند و ما در کردستان ضعیف میشویم فعالیت همین دو ساله نشان داد که معیارشان همان قدمت‌ها و سابقه‌ها و سردوشیها بوده است و ما با پراتیکمان نشان دادیم که تحلیلمان اشتباه است. حرکت جنبشهای اجتماعی و به ویژه جنبش کارگری خط بطلانی بر این توهم کشید.

ع. گلپریان: با توجه به ارزیابی که دارید آیا فکر نمیکنید که اعضای قدیمی کمیته کردستان که از حزب جدا شدند با توجه به سابقه فعالیتشان با چپ هنوز در میان مردم از جایگاهی جلی برخوردارند؟

محمد آسنگران: حتماً به یاد دارید هنگامی که اکثر کمیته کردستان از حزب رفتند، رهبری حزب و خود من در مقالات متعددی نوشتیم که علت رفتن اینها چی بود و اینها به کجا سیر خواهند کرد. اکنون بعد از دو سال تحلیل ما از حرکت آنها درستی خودش را اثبات کرده است. حزب آنها تمام هم و غم خود را به کردستان معطوف کرد اما در کردستان هم کاری از پیش نبرد. حاشیه‌ای شدند و اکنون همان تعداد اندک کسانی که به آنها تعلق خاطر داشتند بی افق و بی تأثیر منشا اثری نیستند. برای روشن شدن این مسئله نگاه کنید به جنبش کارگری، جنبش دفاع از حقوق کودک و ایفای نقش در اعتراضات مردم. . . . اینها فاکت است کسی نمیتواند منکر آن شود مگر آگاهانه چشم بر حقایق ببندد.

لازم است اینرا تأکید کنم که موفقیت ما در درستی سیاست ما بود. حزب با این سیاست اکنون در کردستان به یک نیروی جدی و در میان احزاب سیاسی به نیروی اول کردستان تبدیل شده است. فعالین ما اکنون در کردستان نه در رقابت با دیگر احزاب بلکه مستقیماً در

مقابل جمهوری اسلامی برای اتخاذ موقعیت مناسب و کسب قدرت تلاش میکنند. هم و غم نیروها و سنتهای مبارزاتی دیگر در کردستان اسلحه و نیروی مسلح است. همین دوستان سابق ما هم تماماً به این سمت رفتند. نگاه کنید به مشغله‌ها و گفته‌هایشان هنگامی که در حاشیه کنگره شان، از آنها سؤال میشود به چه چیزی افتخار میکنید همگی جوابشان یک کلمه واحد است "گارد آزادی" ما تلاش میکنیم هیچ وقت نیروی مسلح ما این جایگاه را پیدا نکنند.

اگر افتخاری هست ما به وجود رهبران کارگری آگاه، مدافعین رادیکال کودک، مدافعین حقوق زن، و قدرت جنبش سوسیالیستی افتخار میکنیم. اینها دستاورد ما و جنبش ما در کردستان است. اگر ما در کردستان ناچار به مقابله با سنت و گرایشات ماجرا جویانه دیگر احزاب و مشخصاً احزاب ناسیونالیست کرد نبودیم، شاید فعلاً از نیروی مسلح حرفی نمیزدیم. مگر ضرورت آن برای دوران قیام، اما همین افتخار کردنها به اسلحه از جانب دیگر نیروهای سنت ناسیونالیستی، طبقه کارگر را ناچار میکند که به نیروی مسلح خود فکر کند. تفاوت ما با آنها این است که ما به عنوان یک نیروی کمونیستی و کارگری مجبور هستیم که در این عرصه هم محکم بایستیم. اما دیگر گرایشات تمام افتخارشان همین است.

نیروی مسلح برای ما مهم است اما نه به دلیل قداست آن که فعالین ما به آن افتخار کنند. بلکه طبقه کارگر ناچار است برای دفاع از خودش این پتانسیل را حفظ کند. و اجازه ندهد تعدادی با قدرت اسلحه با آنها حرف بزنند. قطعاً زبان زور و اسلحه هر نیروی مخالف جنبش سوسیالیستی و کارگری را باید با

همان زبان جواب داد. اما در شرایط کنونی ما تلاش میکنیم جنبشهای اجتماعی و رهبران عملی آنها در مرکز توجه ما باشند. یک تاکتیک و یک پای قدرت گیری در کردستان حتماً ضرورت نیروی مسلح است. اما نباید توجه جامعه را به اسلحه و نیروی مسلح برگرداند. کسی که این کار را میکند سیاستی ماجراجویانه و سنت سیاسی معینی را دارد نمایندگی میکند. این همان سنت ناسیونالیستی است که بجز اسلحه نمیتواند جنبشهای شهری و اجتماعی را در مرکز توجه خود داشته باشد. اتکالی ما به جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی و شهری است. قدرت ما در شهرها است. نباید توجه را به اسلحه و کوه و کمر برگرداند. جریانی که تمام موجودیتش و تمام افتخارش نه پیشروی جنبش کارگری و رشد گرایش سوسیالیستی در جامعه که "گارد آزادی" اش است معلوم است که دارد به کجا میرود. اینها نیروهای حاشیه‌ای و ماجراجو هستند که کاری از پیش نمیبند.

ما اجازه نمیدهیم توجه جامعه به این سمت برود. جنبشهای اجتماعی و در راس آنها جنبش کارگری باید در مرکز توجه همه فعالین چپ و کمونیست باشد. پیروزی کمونیسم در گرو قدرت مند شدن جنبش کارگری و رهبران کارگری و متشکل شدن آنها در حزبشان است. وجود و ضرورت نیروی مسلح برای ما فقط یک تاکتیک و اقدام معینی است که طبقه کارگر و حزبش برا دفاع از دستاوردهای خود و برای مهار کردن و به عقب راندن دیگر نیروهای ارتجاعی به آن متوصل میشوند نه بیشتر.

ادامه دارد

از صفحه ۲

مصاحبه ایسکرا با نسرین . . .

مشاهده کرد. در کردستان هم به درجات زیادی وضعیت همین است که در بالا توضیح دادم. جنبش دانشجویی در شهرهای کردستان نیز متأثر از یک جنبش سراسری است و در کردستان هم جنبش دانشجویی و فعالین چپ و رادیکال در تلاش بوده

جنبش دانشجویی و رهبران و فعالین چپ در صدد بوده و هستند که امسال ۱۶ آذر را با شکوهرتر، آماده تر و با قدرت برگزار کنند. از مدت ها پیش تب و تاب برگزاری این روز را در همه دانشگاهها و از جمله در دانشگاههای کردستان را می شود

و هستند که مراسم های مستقل خود را برگزار نمایند. از نظر من مطالبات و خواستهایی که در پاسخ به سوال دوم شما دادم، مطالبات و خواستهایی این جنبش در کردستان نیز می باشد. یک نکته را باید تأکید کنم که جامعه کردستان تحزب یافته تر و فضا و جو سیاسی بیشتر ضد رژیم بوده و این قضیه خود امکان

و شرایط مساعدتری را برای فعالین و رهبران جنبش دانشجویی در کردستان به همراه دارد که می تواند در صورت آماده بودن و سازمان یافته تر شدن حرکات و اعتراضات دانشجویان در کردستان، خود به فاکتور مثبتی برای تحمیل خواستها و مطالبات این جنبش به جمهوری اسلامی بشود. از این نظر،

* * *

اعتصاب متحدانه کارگران شرکت کشت و صنعت کارون دومین روز خود را پشت سر گذاشت

در اطلاعیه قبلی خبر شروع اعتصاب ۳۰۰۰ نفر از کارگران و کارکنان شرکت کشت و صنعت کارون شوشتر را به اطلاع رساندیم. گزارشهای رسیده گویای اینست که کارگران با تاکید بر خواست ها و مطالبات بر حق خود دومین روز اعتصاب خود را پشت سر گذاشتند. اعتصاب از روز ۶ آبان شروع شده است. کماکان تولید متوقف است. تریلرها مملو از نی است و رانندگان در کنار تریلر خود ایستاده اند و در اعتصاب هستند. دهها تن شیره شکر بخاطر اعتصاب به هدر رفته است. کوره بخار و جک ها همچنان خاموش هستند. کارگران بخش تجهیزات همچنان در اعتصاب بسر میبرند. در روز دوم کارگران موافقت کردند که برق قسمت اداری وصل

شود. اما واحد خط تولید که به کارخانه معروف است هنوز فاقد برق است. در این میان شرکت گاز نیز در حالیکه اعتصاب کارگران ادامه دارد شرکت گاز نیز، به منظور نقد کردن طلبهای چند ملیارد تومانی اش از کشت و صنعت، اقدام به بستن شیر گاز شرکت نموده است. کل مجتمع اکنون در حال تعطیل و در اعتصابی یکپارچه به سر میبرد. لازم به ذکر است که آسیابهای کارخانه همزمان از برق و گاز استفاده میکنند. از طرف دیگر باریدن باران نیز عملاً کار برداشت را متوقف کرده است. کارگران نی بر داس ها را بر زمین گذاشته اند. بعد از ظهر دومین روز اعتصاب نبوی مدیر عامل و میرزا پور معاون امور اداری توسط

مقامات دولتی در ارتباط با وضعیت شرکت احضار شدند. شرکت کشت و صنعت کارون با وساطت فرمانداری تا ساعاتی از شب با مسئولین شرکت گاز وارد مذاکره شدند و با تشریح وضعیت وخیم شرکت و ویژه اعتصاب کارگران ملتسمانه از شرکت گاز خواستند که در این شرایط آنها را تنها نگذارند و فعلاً به مدیریت مهلت بدهند. بنا به گزارش شرکت کشت و صنعت کارون مبالغ هنگفتی بابت آب و برق و همچنین بیمه بدهکار است. در حال حاضر سازمان تامین اجتماعی از تمدید دفتر چه های بخش هائی از کارگران که حق بیمه آنان توسط شرکت پرداخت نشده خودداری میکند و خانواده های کارگری را زیر فشار و

در مضیقه گذاشته است. جو اعتراضی در میان کارگران بشدت بالاست. "حراست" و شورای اسلامی از نگرانی عکس العمل متحدانه کارگران، تا کنون دست به هیچگونه عملی نزده اند و از مقابله با کارگران خودداری کرده اند.

بنا به این گزارش کارگران و کارکنان شرکت کشت و صنعت خواستار اخراج و محاکمه علنی و مجازات عبدالعزیز نبوی مدیر عامل و میرزاپور معاون امور اداری، شادمان رئیس کارخانه (خط تولید) و رضادوست عضو هیئت مدیره شرکت و از چهره های منفور در میان کارگران هستند. شرکت در بحران همه جانبه دست و پا میزند. کارگران بر خواست های برحق خود بویژه دریافت پاداش مورد توافق اصرار دارند. کارگران از نظر معیشتی بشدت در مضیقه هستند. دستمزدی که به کارگران پرداخت میشود، در یک ماه تنها کفاف ده

روز گذران زندگی فقیرانه شان را میدهد. کارگران میگویند: فرصتی برای مهلت دادن نیست و اعتصاب تا حصول نتیجه قابل قبول کارگران ادامه دارد.

حزب کمونیست کارگری ایران همه کارگران و مردم را به حمایت از اعتصاب کارگران شرکت کشت و صنعت کارون شوشتر فرا میخواند. با حمایت فعال از این اعتصاب باید کاری کرد که مدیریت شرکت و مسئولین جمهوری اسلامی هرچه سریعتر به خواستهای به حق کارگران گردن بگذارند.

**زنده باد اتحاد و همبستگی
طبقاتی کارگران!
زنده باد آزادی، برابری
حکومت کارگری!**

**حزب کمونیست کارگری ایران
۹ آبان ۱۳۸۵
۳۱ اکتبر ۲۰۰۶**

دو نفر از کارگران کارخانه پوریس سندج اخراج شدند

طبق اخباری که به کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری رسیده است کارگران کارخانه پوریس به دنبال اعتصاب و اعتراض به شرایط غیر انسانی قرار دادهای کاری همچنان تحت فشار کارفرما قرار دارند. کارگران این کارخانه قبلاً به قرار دادهای برده وار اعتراض کردند. و بعد از توافقاتی با کارفرما به سر کار بازگشتند. اما بعد از این اعتراض کارگران همچنان تحت فشار قرار دارند.

آخرین اخبار حاکی است که دو نفر از کارگران از اول آبان ماه اخراج شده اند. ۱۵ نفر از کارگران قراردادشان یک ماهه شده است. کارفرما تهدید کرده است هر کس اعتراض کرده و یا اعتراض کند اخراج میشود. اخیراً ۶ زن در این کارخانه استخدام شده اند که ماهانه فقط ۱۵۰ هزار تومان دستمزد دریافت میکنند. این ۶ نفر از همه مزایایی کاری محروم شده اند و بدون هیچ مزایایی شروع به کار کرده اند.

کارفرما اعلام کرده است اگر هر کس اعتراض کند اخراج میشود و به جای آنها کارگران دیگری استخدام میشوند. کارگران این کارخانه میگویند احتمال این میبرد که کارفرما تعداد دیگری از کارگران را اخراج کند. بر اساس اخباری که به کمیته کردستان حزب رسیده است به دنبال اعتصاب قبلی در این کارخانه کارفرما توانسته است در میان کارگران چند دسته گی ایجاد کند و این تفرقه در میان کارگران باعث

شده است کارفرما تعرضات خود علیه کارگران را از سر گیرد.

کمیته کردستان حزب همه کارگران پوریس را به اتحاد و همبستگی فرامیخواند. در مقابل سیاست تفرقه افکنانه کارفرما کارگران باید متحدانه عمل کنند. در عین حال ایجاد تفرقه در میان کارگران یک بار دیگر تاکیدی بر این مسئله حیاتی است که اگر کارگران تشکل مستقل خود را نداشته باشند کارفرما به راحتی میتواند در صف کارگران ایجاد تفرقه کند.

ما همه کارگران در دیگر مراکز

کار را به حمایت از کارگران پوریس و ایجاد تشکلهای مستقل خود فرامیخوانیم. تشکل اکنون برای کارگران به امری حیاتی و فوری تبدیل شده است. بحث کردن از اهمیت و جایگاه تشکل برای کارگران تکراری شده است. این تشکلهای را باید فوری ایجاد کرد.

**کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۵ آبان ۱۳۸۵
۲۷ اکتبر ۲۰۰۶**

کارگران شاهو در سندج مانع خروج مسئولین . . .

از صفحه ۱

کارگران در مقابل گفته های متناقض مدیر و کارفرما و حسابداران این کارخانه اعلام کردند که معلوم است حقوقهای ما در میان مسئولین این کارخانه جیف و میل شده است. کارگران تاکید کردند مسئولین این کارخانه تا پرداخت همه حقوقهای معوقه اجازه خروج از کارخانه را ندارند.

صدیق آزادی و دیگر مسئولین این کارخانه به کارگران گفتند که بصورت قسطی حقوقها پرداخت میشود، اما کارگران این را رد کرده و خواهان پرداخت همه حقوقهای معوقه خود شدند. نیروهای نظامی در جریان این کشمکش کارگران و مدیر و حسابداران کارخانه قرار گرفتند، اما

هیچ اقدامی نکرده است. مسئولین دولتی در سندج دخالت کردند و از کارگران خواستند که راه مذاکره را دریابند بگیرند و به مسئولین کارخانه اجازه خروج بدهند. در مقابل، کارگران به اعتراض و مقاومت خود ادامه دادند و خواهان پرداخت همه حقوقهای معوقه شدند. نهایتاً با پادرمیانی مسعود

ماجدی مدیر قبلی این کارخانه و با قول و قرارهای مساعد به کارگران ساعت ۱۲ شب کارگران اجازه خروج به مسئولین این کارخانه دادند و همگی از کارخانه بیرون رفتند.

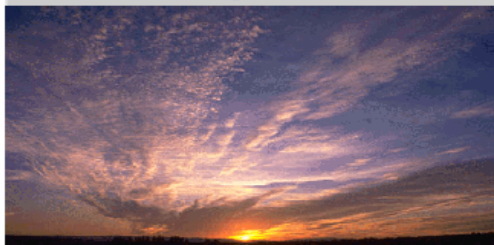
بر اساس همین منبع خبری روز ۶ آبان ماه قرار است کارگران ساعت ۸ و ۳۰ دقیقه صبح در کارخانه حاضر باشند و ساعت ۱۱ قبل از ظهر مسئولین اداره کار و استانداری و مسئولین کارخانه و... با کارگران به مذاکره بنشینند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران مبارزات کارگران شاهو، پوریس و دیگر مراکز کارگری همه کارگران را به اتحاد و همبستگی و متشکل شدن در تشکلهای خود فرامیخواند.

**کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۵ آبان ۱۳۸۵
۲۷ اکتبر ۲۰۰۶**

فصل نامه رها شماره ۳ منتشر شد

فصل نامه رها شماره ۳



مخبره از تاریخ یک دوره	عبدل کبریان
نگاهی کوتاه به گذشته ای نه چندان دور	سعید اصلی
صفحه کوچکی از زندگی من!	مینا احدی
یاد رفتی خوب و یاد ماندیم	شبه سلوانی
جنگه اسرا و انسانیت	منصور فرزاد
مجموعه - من اسیرم (شعر)	شبه سلوانی

برای دریافت فصل نامه رها،
با آدرس و شماره تلفن زیر تماس بگیرید

E-mail:
shamisalwati@yahoo.de
ssalwati@aol.com
Tal: ۰۱۷۶۲۰۷۵۸۶۲۴

شماره حساب ها:

Account nr. 45477981
Sort code: 60-24-23
Account holder: WPI
Branch: wood green
Bank: Nat West

بست جیرو 3-60-60
صاحب حساب IKK

Dariush safa
Konto Nr:894922303
Kredit Institut
Post bank Hannover
BLZ:25010030

TD Canada Trust
A. Mikanik
transit#1672
Institution#504
Acc#6235975

انگلیس:

سوئد:

آلمان:

کانادا:

بیانیه جمعی از دانشجویان دانشگاه کردستان
و دانشگاه آزاد سنندج!

قتل و شکنجه زندانیان سیاسی و بالاخص قتل اکبر محمدی و فیض مهدوی در زندان، برخورد با روزنامه نگاران و فعالین مدنی و تعطیلی چندین روزنامه و نشریه، تعرض به حریم خصوصی افراد جامعه، بازخواست و دستگیری فعالین دانشجویی از جمله احمد باطبی و صدها دانشجوی دیگر و برخورد با تشکلهای مستقل دانشجویی نمونه های از این تعرض رژیم میباشد.

دانشجویان و جوانان آزادی خواه! بیایید ۱۶ آذر امسال را به روز اعتراض به حاکمیت دستگاه ارتجاع و وحشت، به روز اعتراض به حضور دستگاههای امنیتی رژیم در دانشگاهها، به روز اعتراض به فقر و نابرابری روز افزون در جامعه، به روز اعتراض علیه دستگیریها و بازداشت فعالین دانشجویی و مدنی و

به روز بیان مطالباتمان در راستای برپایی دنیای آزاد و انسانی تبدیل نماییم. ما جمعی از دانشجویان دانشگاه کردستان و دانشگاه آزاد سنندج با توجه به اهمیت دوره کنونی و در راستای برگزاری هرچه باشکوه ۱۶ آذر کلیه دانشجویان را فرامی خوانیم تا با اتحاد و همدلی حول مطالبات دانشجویی و مردم ایران و به هر صورت ممکن و یکپارچه تجمعهای اعتراضییمان را سازمان دهیم. بی شک حضور گسترده و برگزاری باشکوه این روز مهم گامی اساسی رو به جلو در امتداد جنبش انقلابی مردم ایراست. ما همه اقشار جامعه اعم از کارگران، معلمان، زنان و جوانان را به پیوستن به این صف مبارزاتی فرا میخوانیم.

به فراخوان ما پیوندید
جمعی از دانشجویان دانشگاه
کردستان و دانشگاه آزاد سنندج
۷ آبان ماه ۱۳۸۵

اما رژیم قادر به ادامه چنین فضایی نمی تواند باشد پایداری مردم در مقابل رژیم و استفاده از هر زمان و فضایی برای رویا رویی گواهی بر این مدعاست. در چنین شرایطی باید مردم اعتراضات خود را گسترش دهند و این همان وظیفه ای است که جنبش دانشجویی در کنار دیگر جنبشهای اجتماعی با نزدیک شدن به ۱۶ آذر بر عهده دارد. در این زمان است که باید افق آزادی و برابری را در دید مردم قرار داده و جنبه انسانیت را در مقابل شرایط سیاهی که به مردم تحمیل کرده اند را مستحکم نماییم.

۱۶ آذر میتواند به یک رویداد سیاسی مهم در عرصه مبارزات مردم ایران برای آزادی و رهایی از شر جمهوری جنایتکار اسلامی تبدیل شود. در این دوره با توجه به شرایط حساس داخلی و منطقه ای اهمیت آن، صدچندان شده است. در این روز باید کارگران، زنان، جوانان و کل مردم ایران به صف اعتراضی دانشجویان پیوندند و این امر در گرو

۱۶ آذر میتواند نقطه عطفی در مبارزات مردم ایران باشد

به فراخوان ما پیوندید

پیش به سوی ۱۶ آذری
باشکوه

نگاهی گذرا به وضعیتی که امروز جامعه ایران چه از لحاظ داخلی و چه از لحاظ بین المللی در آن قرار گرفته است

بی شک دور نما و وظایفی را که امروز جنبش اعتراضی مردم ایران و بویژه جنبش دانشجویی باید در نظر داشته باشد نمایان خواهد کرد. در حالی که در کشورهای همسایه ما جنگ قطبهای تروریستی دولتی و اسلامی روزانه جان هزاران انسان بی گناه را میگیرد و می رود که کل منطقه را به سمت ویرانی و نابودی سوق دهد، در این میان رژیم اسلامی با سیاستهایش به این وضعیت سیاه دامن میزند تا با اشفته کردن منطقه باجی برای اسلام سیاسی و عمری برای بقای ننگینش دست و پا کند.

در چنین وضعیتی جمهوری اسلامی در طی ماههای اخیر به قصد ایجاد فضای رعب و وحشت و عقب راندن اعتراضات مردمی، دست به سرکوب مردم و تعرض به فعالین اجتماعی و مردمی زده است. برخورد های وحشیانه با اعتصابات کارگرانی که ماههاست حقوقشان را دریافت نکرده اند،

تلویزیون کانال جدید را
همزمان در اینترنت ببینید!

www.pamtv.us

تلویزیون انترناسیونال
هر شب ساعت ۹:۳۰ تا ۱۱:۳۰
به وقت تهران

مشخصات فنی ماهواره

Satellite: Telstar 12
Frequency: 11494
Symbol Rate: 17469
FEC: 3/4

به ایسکرا
کمک مالی کنید

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!